

تحلیل و بررسی مبانی خدا شناختی نظریه مقاومت اسلامی

زاهد حسین^۱
سید آصف کاظمی^۲

چکیده

نظریه مقاومت اسلامی نظریه‌ای بسیار مهم است که حفظ، بقا و استقلال مسلمانان، گروه‌ها و کشورهای اسلامی به آن بستگی دارد و اگر مسلمانان در برابر طاغوت مقاومت نکنند هویت اسلامی‌شان را از دست می‌دهند چراکه دشمن ما به هیچ چیز جز این قانع نیست و از طرفی مقاومت در مقابل دشمن برای حفظ و بقای خود از امور فطری است که لازم است مبانی آن تبیین، تحلیل و بررسی شود ما در این مقاله به تحلیل و بررسی مبانی خدا شناختی نظریه مقاومت اسلامی می‌پردازیم. برای تحلیل و بررسی این مبانی، قرآن کریم، کتب روایی، تفسیری، کلامی و آثار علما و دانشمندان معاصر را مورد مطالعه قرار داده که برخی از مهم‌ترین مبانی خدا شناختی نظریه مقاومت اسلامی عبارت‌اند از توحید در عبادت، توحید در تشریع، توحید در حاکمیت، توحید در استعانت، توحید در توکل و دیگر مبانی اشاره کرد که هر کدام از این‌ها مقاومت آفرین است.

واژگان کلیدی

مبانی خدا شناختی، مقاومت، مقاومت اسلامی، دفاع و جهاد.

^۱. کارشناسی ارشد کلام اسلامی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۳/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۵/۱۰.

^۲. دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، kazemi.asef@gmail.com.

مقدمه

دنیا که دار تراحم است هر چیزی دشمنی یا دشمنانی دارد که مانع بقا یا رشدش می‌شود و آن چیز اگر بخواهد باقی بماند و یا رشد کند چاره‌ای جز مقاومت در برابر دشمن خود ندارد چون اگر مقاومت نکند و تسلیم دشمن شود آن وقت از بین می‌رود یا استقلالش را از دست می‌دهد و ضعیف باقی می‌ماند.

اسلام و مسلمانان نیز دشمنانی دارند که قرآن و روایات برخی از آن‌ها را با صراحت تمام بیان کرده است. بنابراین مسلمانان در مقابل این دشمنان چطور باید رفتار کنند؟ نظریه مقاومت اسلامی نظریه‌ای است که بر اساس آن مسلمانان باید در مقابل دشمنان، ستمگران، زورگویان و استعمارگران بایستند و تسلیم این‌ها نشوند. نظریه مقاومت اسلامی، نظریه‌ای بسیار مهم و بنیادی است که حفظ، بقا، استقلال و پیشرفت اسلام و مسلمانان به آن بستگی دارد.

نظریه مقاومت اسلامی ریشه در اعتقادات اسلامی دارد و نظریه‌ای برخاسته از کلام اسلامی است بنابراین مبانی این نظریه را در کلام اسلامی باید جست، مهم‌ترین بخش از عقاید و کلام اسلامی را بحث توحید تشکیل می‌دهد چون اساس همه اعتقادات دیگر، توحید است. اعتقاد به توحید نقش بسیار مؤثری در تحقق مقاومت اسلامی دارد بنابراین ما در این مقاله به حول و قوه الهی مبانی خدا شناختی نظریه مقاومت اسلامی را بررسی می‌کنیم که عبارت‌اند از:

توحید در پرستش و نفی طاغوت

توحید در پرستش عبارت از تنها خدا را عبادت کردن و کسی را شریک خدا در عبادت قرار ندادن است.^۱

طاغوت عبارت است از هر متجاوز و هر معبود غیر الله^۲. آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) در تفسیر نمونه می‌نویسد: طاغوت «صیغه مبالغه از ماده «طغیان» به معنی تعدی و تجاوز از حدود مرز است و به هر چیزی که سبب

۱. رضا استادی، شیعه و پاسخ چند پرسش، ص ۸۲، علی اصغر رضوانی، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۱، ص ۱۳۰ و ناصر مکارم شیرازی، شیعه پاسخ می‌گوید، ص ۱۴۵.

۲. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۲۰.

تجاوز از حد گردد گفته می‌شود، از این رو شیاطین، بت‌ها، حکام جبار و مستکبر و هر معبودی غیر از پروردگار و هر مسیری که به غیر حق منتهی می‌شود، همه طاغوت است.^۱

توحید در عبادت و نفی طاغوت، دلایل عقلی و نقلی متعدد دارد و ما در این مقاله مختصر فقط به بیان یک دلیل عقلی و یک دلیل نقلی اکتفا می‌کنیم.

دلیل عقلی: کسی شایسته عبادت است که رب باشد و رب کسی است که خالق باشد چون ربوبیت ادامه خالقیت است؛ یعنی کسی وقتی کسی یا چیزی را به وجود آورد و به آن هستی داد، آن پدیدآورنده خالق نامیده می‌شود و وقتی که بعد از خلق مخلوق چیزهایی که برای ادامه وجودش لازم است، فراهم می‌کند و در اختیارش قرار می‌دهد، رب نامیده می‌شود. بر اساس توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت در جای خودش ثابت شده است که ما یک خالق (مستقل) و یک رب (مستقل) بیشتر نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم و آن خالق واحد و رب واحد، الله است که واجب‌الوجود بالذات است و از همه جهت در هر کاری و حالی مستقل و بی‌نیاز است^۲ پس اله و معبود حقیقی فقط همان الله است و می‌تواند باشد.

دلیل نقلی: در سوره مبارکه مریم خداوند متعال می فرماید: رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اضْطَبِّرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا، همان پروردگار آسمان‌ها و زمین با هر چه میان آن‌ها است، او را عبادت کن و در کار عبادتش شکبیا باش، آیا همتایی برای او می‌شناسی؟ این آیه مجیده یکی از آیاتی است که توحید در عبادت را اثبات می‌کند.

عبادت عبارت است از اظهار خضوع و تذلل و اطاعت از کسی یا چیزی با ۱۱۹ اعتقاد به اینکه او کمال مطلق، رب، مدبر انسان و جهان است و سرنوشت همه یا برخی در دست او است و واقعاً هم کسی لایق عبادت هست که این شئون را دارد و آیه کریمه، خداوند را رب زمین و آسمان و مابین آن دو معرفی می‌کند و

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. فاطر، آیه ۱۵ و محمد (ص)، آیه ۳۸.

۳. مریم، آیہ ۶۵

ذیل آیه نیز می‌فرماید: هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا^۱، آیا کسی را می‌شناسی که مانند خداوند تبارک و تعالی شایسته اسم‌هایی همچون رب باشد؟ نه، حالا که فقط خدا رب و مدبر هر چیز است و غیر از او رب دیگری نیست و نه فقط فعلاً نیست بلکه اصلاً نمی‌تواند وجود داشته باشد و نه فقط نمی‌تواند وجود داشته باشد بلکه تصورش و فرضش هم درست نیست، پس فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ^۲، او (خدا) را عبادت کن و در عبادتش پایداری کن.

اگر بخواهیم این مطلب را در یک جمله خلاصه کنیم این می‌شود که ربوبیت منحصر در خداوند متعال است پس عبادت هم منحصرأً برای خدا است. مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: جمله «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» در مقام اثبات توحید در عبادت است، نه اینکه بخواهد امر به عبادت کند و یا امر به پایداری در آن بفرماید، مگر آنکه بگویی امر به عبادت و یا امر به پایداری در آن نیز به ملازمه، از توحید در عبادت استفاده می‌شود^۳.

توحید در پرستش و نفی طاغوت و رابطه آن با مقاومت اسلامی

نفی طاغوت و توحید در پرستش، نتایج و آثاری دارد که نقشی مؤثر در مقاومت اسلامی دارد.

آزادی انسان نتیجه عبادت و عبودیت

بنا بر توحید در عبادت، معبود حقیقی و واقعی یا به الفاظ دیگر و بهتری بخواهیم بگوییم اله و کسی که شایسته عبادت و پرستش است، یکی بیش نیست و نمی‌تواند باشد و او هم خداوند آسمان‌ها و زمین، انسان‌ها، جن‌ها، فرشته‌ها، حیوانات، نباتات، جمادات و... است.

توحید در عبادت مترتب و مبتنی بر توحید در الوهیت است؛ چون الهی غیر از خداوند متعال نیست، معبودی هم جز او نیست و ما با کلمه لا اله الا الله علاوه

۱. مریم، آیه ۶۵

۲. مریم، آیه ۶۵

۳. سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

بر اعلان توحید در الوهیت، اعلان توحید در عبادت هم می‌کنیم. امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام ضمن یک روایت مفصلی درباره معانی جملات اذان می‌فرماید: وَ أَمَّا قَوْلُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِعْلَامٌ بَأَنَّ الشَّهَادَةَ لَا تَجُوزُ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ مَنْ الْقَلْبُ كَأَنَّهُ يَقُولُ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَعْبُودَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ بَاطِلٌ سِوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، با این بیان نورانی امیر المومنین علیه السلام معلوم شد که انسان مسلمان با گفتن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خود را از بند اسارت و بندگی همه به جز خدا رها می‌کند و آزاد می‌سازد چون با گفتن کلمه لا اله الا الله انسان آزادی و عدم بردگی و بندگی خود را نسبت به هر معبودی اعلام می‌کند و با گفتن الا الله بندگی خود را نسبت به خداوند متعال اعلام می‌کند پس انسان با توحید در عبادت به معنای واقعی کلمه آزاد می‌شود و آزادی انسان از اسارت و بندگی و بردگی زر و زور و زرق و برق‌های مادی و... نتیجه توحید در عبادت است.

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی (حفظه الله) می‌فرماید: کسی که نسبت به غیر خدا حرّ مطلق است، می‌تواند نسبت به خدا عبد مطلق و بنده محض باشد.^۱ ایشان باز در جای دیگر می‌فرمایند: قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را که فرمان به عبودیت و بندگی می‌داد، نجات‌دهنده انسان‌ها از قید و بندها و غل و زنجیرها دانسته است؛ (يَا مَرْهَمَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ وَيُضَعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ أَلْتَى كَانَتْ عَلَيْهِمْ^۲)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را به نیکویی و معروف امر و از زشتی و منکر نهی می‌کند و پاکیزه‌ها را برای جامعه بشری حلال و خبیث‌ها و ناپاک‌ها را تحریم می‌کند و مشقت‌ها و رنج‌ها را که چون زنجیر بر گردن آنان نهاده شده، همه را بر می‌دارد. انسان در پرتو اطاعت خدا و بندگی او، زنجیرها را پاره می‌کند و مشقت‌ها را از خود بر می‌دارد و به رهایی و آزادی واقعی می‌رسد.^۳

حالا که انسان به یمن توحید در عبادت آزاد شده است و بنده چیزی و یا

۱. محمد بن علی ابن بابویه، التوحید (للمصدق)، ص ۲۳۹.

۲. عبد الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳. اعراف، ۱۵۷.

۴. عبد الله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ص ۵۸ و ۵۹.

کسی جز خداوند متعال نیست، این انسان در مقابل مستکبران، ستمگران، زورگویان، استعمار گران و... و در یک کلمه در مقابل طاغوت مقاومت می کند و پیش آن ها سر تعظیم خم نمی کند و نمی تواند بکند چون او با اقرار و اعتقاد به توحید در عبادت فقط و فقط بنده خداوند متعال است و بس! او دیگر برده و بنده کسی نیست تا از او فرمان برد و در مقابل او سر تسلیم خم کند، او با گفتن لا اله الا الله خودش را از بند بردگی و بندگی هر چه غیر خداوند متعال است آزاد کرده است، چنین کسی نمی تواند در مقابل طاغوت هم سر تعظیم فرود بیاورد بلکه در مقابلش تا پای جان خویش مقاومت می کند و اگر در این راه لازم شود از جان، مال، آبرو، ناموس و هر چه که دارد دست می کشد ولی در مقابل طاغوت تسلیم نمی شود و ما نمونه های فراوانی در تاریخ اسلام از صدر اسلام تا الآن داریم که برخی از انسان های موحد چقدر زحمات را متحمل شدند، چقدر سختی ها کشیدند، چه قدر شکنجه ها دیدند ولی دست از توحید برنداشتند و در مقابل طاغوت سر تسلیم خم نکردند چون آن ها با توحید از بندگی و بردگی خدایان دروغین آزاد شده بودند و انسان آزاده دیگر برده نمی شوند.

عزت و سربلندی انسان نتیجه عبادت

ما اصالة و بالذات یک عزیز بیشتر نداریم و او همان خداوند متعال است که هیچ شایبه ذلتی به ساحت وجودش راه ندارد چون هیچ نقصی ندارد و کمال مطلق است و اگر کسی دیگر مانند پیامبران و مؤمنین عزت دارند، از طرف خدا است و از خود هیچ ندارند؛ نه فقط عزت بلکه غیر از خدا هیچ چیز و هیچ کس به ذات خود هیچی ندارد و هر چه هست از طرف خدا و از نعمت هایی است که خدا داده چون غیر از خدا همه فقیر محض بلکه فقر محض هستند که حتی وجودشان نیز عین فقر و ربط و وابستگی به خدا است یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۱، وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ^۲ پس اگر انسان ها عزتی هم دارند از طرف خدا است و اگر کسی بخواهد عزیز شود باید برود در

۱۲۲

۱. فاطر، ۱۵.

۲. محمد، ۳۸.

خدای عزیز. آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی (حفظه الله) می‌فرمایند: قرآن کریم، عوامل عزت را در یک کلمه، عبودیت و اطاعت خدا می‌داند که در ایمان و عمل صالح تبلور می‌یابد: (مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ).^۱

پس انسان مسلمانی که به‌وسیله عبادت و عبودیت خداوند متعال عزیز است، تن به ذلت تسلیم و یا سازش با مستکبران و زورگویان و طاغوت‌ها نمی‌دهد بلکه مقابل آن‌ها مقاومت می‌کند تا از اوج عزت و سربلندی بندگی خداوند عزیز به ذلت و سرشکستگی بندگی طاغوت سقوط نکند چون انسان مسلمان می‌داند که رو برگرداندن از عبادت خدا و پذیرش عبودیت طاغوت چیزی جز ذلت و سرشکستگی و سرافکندگی و زیان و خسران در دنیا و آخرت را به دنبال ندارد. خداوند متعال می‌فرماید: فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؟^۲ شما هر چه می‌خواهید به جای خدا پرستید بگو به‌راستی زیانکاران واقعی آن‌ها اینند که نفس خود و خویشان خود را در روز قیامت باخته باشند، آگاه باشید که به‌راستی خسران مبین همین است و هیچ عاقلی همچون معامله‌ای نمی‌کند که جز زیان فایده‌ای عایدش نشود. خداوند متعال از زبان حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به آن‌هایی که غیر خدا را می‌پرستند می‌فرماید: أَفَ لَكُمْ وَ لَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟^۳ اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟!

توحید در تشریع و رابطه آن با مقاومت اسلامی

۱۲۳

انسان موجودی اجتماعی است و از طرفی انسان حب ذات دارد و همه چیز را برای خودش می‌خواهد و اگر قانونی نباشد که اجتماع و حقوق فردی و اجتماعی افراد در اجتماع را حفظ کند دنیا به فساد کشیده خواهد شد بنابراین

۱. فاطر، ۱۰.

۲. زمر، ۱۵.

۳. انبیاء، ۶۷.

باید قانونی باشد، حالا این قانون را چه کسی باید وضع کند و می‌تواند وضع کند؟

توحید در تشریع یا قانون‌گذاری عبارت است از اعتقاد به اینکه جعل قوانین و تشریع احکام و... فقط و فقط حق خداوند علیم خبیر است و هیچ‌کس حق قانون‌گذاری از طرف خودش ندارد چون قانون‌گذاری نوعی تصرف در حقوق و امور دیگران و ایجاد محدودیت و... برای آن‌ها است و این نوع تصرف را فقط کسی می‌تواند انجام دهد که مالک باشد و مالک حقیقی و علی‌الطلاق انسان‌ها و همه عالم هستی فقط و فقط خداوند است به الفاظ دیگر، تشریع و قانون‌گذاری از شئون ربوبیت است و چون ما یک رب بیشتر نداریم پس قانون‌گذار هم یکی بیشتر نداریم و او خدا است.

خداوند متعال در قرآن کسانی که به قانونی غیر از حکم خدا حکم کند را کافر، ظالم و فاسق قرار داده می‌فرماید: *وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ*^۱. *وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ*^۲. *وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ*^۳.

اعتقاد به توحید در تشریع و قانون‌گذاری در چند مورد مقاومت آفرین است:

۱. کسی یا کسانی از خدانشناسان اگر بخواهند قوانینی را از خودشان وضع و آن را در جامعه بشری اجرا کنند و انسان‌ها را به بهانه اجرای قوانین بشردوستانه، حقوق بشر و... فریب دهند و بر گردن آن‌ها سوار شوند، انسان مسلمان بر اساس اعتقاد به توحید در تشریع مقاومت می‌کند و این اعتقاد نمی‌گذارد که او تسلیم قوانین غیر الهی یعنی قوانین شیطانی بشود. مثال‌هایی از این مورد در چند سال اخیر را اگر بخواهیم بیان کنیم سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش و FATF در نظام بانکی از این موارد است.

۱۲۴

۲. مستکبرانی در هر جای عالم اگر بخواهند خودشان را آقا و سید و سردار معرفی کنند و به بقیه امرونی‌ها کنند باز انسان مسلمان بر اساس اعتقادش به

۱. مائده، ۴۴.

۲. مائده، ۴۵.

۳. مائده، ۴۷.

توحید در تشریع، خودش را موظف به پیروی از هیچ امر و نهی ای به جز امر و نهی خداوند نمی‌داند بلکه پیروی از امر و نهی غیر الهی را برای خود جایز هم نمی‌داند و در مقابل آن مستکبران می‌ایستد و تسلیم خواسته نامشروعشان نمی‌شود چون اطاعت از قوانین و اطاعت از اوامر و نواهی آن‌ها مخالف عقیده توحید در تشریع است.

توحید در حاکمیت و رابطه آن با مقاومت اسلامی

همان‌طور که در بحث توحید در تشریع بیان شد انسان موجودی اجتماعی است و از طرفی حب ذات دارد و هرکسی همه‌چیز را فقط برای خودش می‌خواهد و برای همین عرض کردیم که باید قانونی باشد که حقوق همه به‌وسیله آن در اجتماع حفظ شود و حق کسی پایمال نگردد و الآن عرض می‌کنیم که برای این هدف فقط وجود قانون کافی نیست بلکه لازم است کسی باشد که آن قانون را در جامعه اجرا کند و او حتماً قدرت و تسلط بر مردم داشته باشد و این (ضرورت حکومت) امری بدیهی است همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: *كَأَبَدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ*؛ برای مردم وجود حاکم و حکومت لازم و ضروری است حتی آن امیر اگر انسان خوبی نبود باز هم نباید مردم بی حاکم باشند چون اگر حاکمی ولو حاکم بد، نباشد جامعه به هرج و مرج و فساد کشیده خواهد شد. پس این امر که دیگر بدیهی است که حکومتی و حاکمی باید باشد، حالا این بحث پیش می‌آید که چه کسی باید حاکم باشد؟ توحید در حاکمیت یعنی اینکه حکومت حق مختص خداوند متعال است و احدی حق حکومت بر دیگری را ندارد *إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ*؛ کسی جز خدا حق فرمانروایی ندارد، او دستور داده که جز او را نپرستید. این دین پابرجا و استوار است، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. چون لازمه حکومت تصرف در امور دیگران و ایجاد محدودیت برای آن‌ها

توحید در حاکمیت و رابطه آن با مقاومت اسلامی

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۸۲.

۲. یوسف، ۴۰.

است و این تصرف را فقط مالک می‌تواند انجام بدهد و ما می‌دانیم که مالک انسان‌ها و همه جهان خداوند متعال است و نیز حکومت نوعی تدبیر امور مردم است که از شئون ربوبیت است و بر اساس توحید در ربوبیت فقط خدا است که رب همه است پس حاکم نیز فقط خدا است.

خلاصه اینکه حاکمیت ریشه در ربوبیت و مالکیت دارد و از آنجاکه رب و مالک حقیقی همه خدا است، حاکم علی‌الاطلاق بر جهان هستی از جمله انسان‌ها نیز خدا است.

البته توحید در حاکمیت معنایش این نیست که خداوند متعال بیاید میان مردم بنشیند و مستقیماً کار اداره کردن امور مردم را به دست بگیرد که این ناممکن است بلکه معنایش این است که حکومت اولاً و بالذات حق مختص خداوند متعال است و اگر کسی بخواهد حکومتی تشکیل بدهد و بر مردم حکم براند باید مأذون از جانب خداوند متعال باشد و در غیر این صورت حکومتش حکومت طاغوت خواهد بود.

اینکه توحید در حاکمیت به‌عنوان مبنایی کلامی مقاومت آفرین است خیلی واضح و روشن است چون ما مأمور به پذیرش حکومت و ولایت الهی و عدم پذیرش و مقاومت در مقابل حکومت و ولایت طاغوت هستیم پس هر وقت، هر جا و هر طاغوتی بخواهد به مسلمانان زور بگوید و با زور بخواهد خواسته‌های خود را در جامعه پیاده کند یک مسلمان معتقد به توحید در حاکمیت نمی‌تواند تسلیم طاغوت بشود یا با او سازش کند و یا حتی در مقابل او سکوت اختیار کند بلکه او می‌ایستد و در مقابل او مقاومت می‌کند.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی (حفظه الله) در تفسیر آیه شریفه *اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ* و *الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ*^۱ می‌فرماید: بر پایه نظم صناعی، در برابر جمله *(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا)* باید گفته شود: «و الطاغوت ولی الذین کفروا»؛ ولی این نظم رعایت نشده، زیرا گذشته از رعایت ادب در عدم تصریح به تقابل بین الله و

طاغوت، باید عنایت کرد که طاغوت نه تنها ولی کافر نیست، بلکه دشمن اوست و دشمن هرگز حقیقتاً ولی کسی که دشمن اوست نمی‌شود، چون در معنای واژه «ولی»، افزون بر سرپرستی و قُرب، محبّت میان «ولی» و «مولى علیه» نهفته است و ولایت حقیقی با مهربانی به «مولى علیه» همراه است؛ مانند ولایت خداوند بر بندگانش: (فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ).

طاغوت سر مهرورزی با مؤمن و کافر ندارد و دشمن سرسخت آن دو است تا آنان را به ورطه گمراهی و هلاکت بکشاند، از این رو، ولی حقیقی آنها نیست.^۱ طبق فرموده ایشان نه فقط مؤمن بلکه کافر نیز در مقابل طاغوت باید مقاومت کند چون دشمن او است ولی چه کنیم که کافر نمی‌فهمد و به خاطر همین است که در مقابل طاغوت مقاومت نمی‌کند بلکه سیاست تسلیم و سازش را دنبال می‌کند ولی مؤمن دیگر بهانه نفهمی هم ندارد چون مؤمن با نور هدایت الهی راه را از چاه می‌شناسد و با پذیرش ولایت خداوند متعال، خدا او را از ظلمت بیرون کشیده و به وادی امن نور آورده است چنین کسی دوباره نمی‌تواند با پذیرش ولایت طاغوت دوباره به چاه ظلمت و ضلالت بیفتد و عقل و فهم خویش را از دست بدهد ذلک بآئِهِمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؟ این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند از این رو بر دل‌های آنان مهر نهاده شده و حقیقت را درک نمی‌کنند!

توحید در اطاعت و رابطه آن با مقاومت اسلامی

توحید در اطاعت عبارت است از یگانه‌پرستی در فرمان‌بری خدا، بدین معنا که انسان، از هیچ‌کس جز خداوند متعال و کسانی که او معین کرده است، حق اطاعت ندارد.^۲

اطاعت اعم از عبادت است و نسبت آنها اعم و اخص مطلق است یعنی هر

۱- مایده، ۵۴.

۲. عبد الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، جلد ۱۲، ص ۲۰۷.

۳. منافقون، ۳.

۴. محمد محمدی ری شهری، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۱.

عبادتی اطاعت هم هست ولی این طور نیست که هر اطاعتی عبادت هم باشد لذا توحید در اطاعت غیر از توحید در عبادت است و تفاوت‌هایی باهم دارند از جمله آن‌ها این است که در عبادت قصد قربت شرط صحت است یعنی عبادتی بدون قصد قربت صحیح نیست یعنی واقعاً عبادت نیست ولی در اطاعت در برخی موارد قصد قربت شرط نیست. فرق دیگر این است که عبادت مخصوص خداوند متعال است و غیر خدا را حتی برای تقرب به خدا هم نمی‌شود عبادت کرد مشرکان مکه می‌گفتند: *مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقَرَّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى*^۱ ولی بهانه آن‌ها نزد خداوند پذیرفته نیست و آن‌ها مشرکند ولی اطاعت می‌شود مستقیم از خداوند اطاعت کرد و می‌شود به فرمان خدا از دیگران مثل پیامبر، امام، استاد، والدین، همسر و... اطاعت کرد و در یک جمله بخواهیم عرض کنیم این می‌شود که توحید در اطاعت این است که به فرمان خداوند اطاعت کنیم چه از خود خدا و چه از دیگران ولی توحید در عبادت این است که به فرمان خدا عبادت کنیم و خود خدا را عبادت کنیم نه کسی دیگر را.^۲

پس ما حق داریم فقط از خداوند اطاعت کنیم و باید بکنیم و اگر بخواهیم از کس دیگری اطاعت کنیم باید خداوند اذن دهد و یا امر کند که از او اطاعت کنیم و این درواقع برمی‌گردد به اطاعت خداوند چون ما طبق امر خداوند از آن کس اطاعت می‌کنیم پس اطاعت از پیامبر، اولوالامر، پدر و مادر و... که خداوند ما را مأمور به اطاعتشان کرده، اطاعت خدا است *مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ*^۳ ولی اطاعت از غیر خدا هرچند واجب الاطاعه باشد باز هم مشروط است به اینکه مخالفت با اوامر و نواهی الهی نباشد در غیر این صورت ما حق نداریم از آن‌ها هم اطاعت کنیم *وَصَبَّحْنَا لِلْإِنْسَانِ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ*^۴ با اینکه خدا خودش ما را به اطاعت از پدر و مادر و احسان کردن به آن‌ها امر فرموده ولی

۱. زمر، ۴.

۲. احمد بهشتی، مقاله حاکمیت و اطاعت: ۲؛ اطاعت خدا.

۳. نساء، ۸۰.

۴. عنکبوت، ۸.

در عین حال می‌فرماید اگر پدر و مادر از تو بخواهند چیزی را شریک من قرار دهی از آن‌ها اطاعت نکن.

توحید در اطاعت باکمال صراحت و وضوح اطاعت هرکسی غیر از خدا را نفی می‌کند مگر اینکه اطاعت آن غیر، اطاعت خدا باشد پس انسان مسلمانی که به توحید در اطاعت اعتقاد دارد هرگز نمی‌تواند از کسی که مأذون من الله نیست اطاعت کند چه جایی که آن غیر، دشمن مستکبر و زورگوی مسلمانان باشد که در اینجا نه فقط اطاعتش مشروع نیست و به اطاعت کردن از او اذن، اجازه و امری از خداوند نیامده بلکه از اطاعتش نهی هم شده است خداوند متعال در سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا**^۱، **وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا**^۲ و بالا تر نه فقط از اطاعتشان نهی شده بلکه به جهاد و پیکار کردن با آن‌ها امر شده است **فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا**^۳.

پس انسان مسلمانی که معتقد به توحید در اطاعت است اصلاً از دشمنان مستکبر و زورگو اطاعت نمی‌کند و از آنجاکه طاغوت (کافران، ستمگران، استعمارگران و...) نیز کوتاه نمی‌آیند و می‌خواهند با هر زر و زور و تزویری که شده همه را به اطاعت خودشان وا دارند انسان مؤمن در برابرشان تا پای جان خود می‌ایستد و مقاومت می‌کند و از توحید دست بر نمی‌دارد.

توحید در استعانت و رابطه آن با مقاومت اسلامی

استعانت به معنای کمک خواستن از کسی یا چیزی است و توحید در استعانت یعنی اینکه ما فقط باید از خداوند کمک بخواهیم و حق نداریم از کس و یا چیز دیگری کمک بخواهیم و استمداد بجوئیم چون در استعانت این حقیقت

۱. احزاب، ۱؛ ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

۲. احزاب، ۴۸؛ و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است!

۳. فرقان، ۲؛ بنا بر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!

نهفته است که آن کسی که استعانت می‌جوید نقص دارد و از عهده کاری برنمی‌آید و او ناچار برای رفع نیاز و نقص خود از کسی که از خودش قوی‌تر و کامل‌تر است، کمک می‌خواهد حالا ما برای رفع نیازهایمان اگر قرار باشد از کسی کمک بخواهیم فقط و فقط باید از خداوند متعال کمک بخواهیم چون غیر از او هر چه و هر که هست همه مثل خودمان ناقص، ضعیف و فقیر هستند و فقط خدا است که کمال مطلق است و هیچ نقصی، نیازی و ضعفی ندارد یا *أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ*^۱ و فقط خدا است که می‌تواند مستقلاً و بدون استمداد از دیگری نیاز همه را برطرف کند و غیر از او هر چه و هر که باشد خودش فقیر است و فقیر که نمی‌تواند فقر دیگری را برطرف کند چون فاقد شیء نمی‌تواند معطی آن باشد.

توحید در استعانت از چنان اهمیتی برخوردار است که در قرآن در کنار توحید در عبادت ذکر شده است و مسلمانان موظف‌اند در هر شبانه‌روز حداقل ده بار در نماز در پیشگاه خداوند قادر متعال بایستد و در کنار توحید در عبادت به توحید در استعانت اقرار کند *إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ*^۲ و قرآن در آیات دیگری نیز به توحید در استعانت اشاره کرده است و *جَاءُ عَلَى قَمِيصَةٍ بَدَمَ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ*^۳، *رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ*^۴

کسانی که سازش و تسلیم را با اینکه خلاف فطرت انسان است به مقاومت ترجیح می‌دهد و به‌جای مقاومت در مقابل دشمن پا روی فطرت انسانی خود می‌گذارند و تسلیم دشمن می‌شوند، یکی از مشکلات اصلی‌شان ترس از عده و

۱. فاطر، ۱۵؛ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است!

۲. فاتحه، ۵؛ (پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

۳. یوسف، ۱۸؛ و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!»

۴. انبیاء، ۱۱۲؛ (و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)!» و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبت‌های ناروای شما، از او استمداد می‌طلبم!»

عده و تسلیحات و... دشمن است ولی انسان مسلمانی که معتقد به توحید در استعانت است می‌داند و معتقد است که خداوند نسبت به همه چیز هم دانا است و هم توانا؛ یعنی آلان که من در مقابل دشمن و تسلیحات و فناوری پیشرفته آن‌ها ایستاده‌ام، خداوند همه این مشکلاتی که روبروی من است و همه نیازهایی که من دارم را هم می‌داند و هم می‌تواند این مشکلات و نیازها را برطرف کند و خود خدا است که به من امر کرده که دست‌گذاری پیش هیچ‌کس دراز نکنم و فقط از خودش کمک بخواهم و این را هم می‌داند که خداوند نسبت به بندگان خدای مهربان است و دعایش را مستجاب می‌کند و در مقابل مشکلات کمکش می‌کند و نیازهایش را بر می‌آورد، چنین کسی دیگر از دشمن هرچقدر که زیاد و قوی باشند، از تسلیحاتشان هرچقدر که پیشرفته و پیچیده باشند و... نمی‌ترسد و خودش را نمی‌بازد بلکه از خداوند دانا، توانا و مهربان کمک می‌جوید و در مقابل دشمن می‌ایستد و مقاومت می‌کند.

روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در باره توحید در استعانت نقل شده است که در آن رابطه توحید در استعانت و مقاومت اسلامی خیلی واضح و شفاف دیده می‌شود چون پیامبر می‌فرماید: *وَ إِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِ بِاللَّهِ فَلَوْ أَنَّ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضْرُقُوا عَنْكَ شَيْئًا قَدْ قُدِّرَ لَكَ كَمْ يَسْتَطِيعُوا وَلَوْ أَنَّ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضْرُقُوا إِلَيْكَ شَيْئًا كَمْ يَقْدِرُ لَكَ كَمْ يَسْتَطِيعُوا فَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ أَنَّ الْيُسْرَ مَعَ الْعُسْرِ*؛ یعنی اینکه تمام مخلوقات عالم در مقابل خدا بخواهند به تو نفعی یا ضرری برسانند، نمی‌توانند این کار را بکنند؛ این یعنی از هیچ چیز و هیچ‌کس نباید بترسیم و تنها امیدمان به خدا باشد و فقط از او کمک بخواهیم و اگر ما خداوند را پشت پناهمان قرار دادیم و به کار و راهمان ادامه دادیم، هیچ زورگوی قلدری هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و ما به منزل مقصودمان می‌رسیم ان شاء الله.

حضرت موسی عليه السلام نیز وقتی که می‌خواهد بنی اسرائیل را برای قیام در مقابل فرعون تحریک و تشویق کند، استعانت از خداوند و صبر و استقامت را به آن‌ها

تذکر می دهد: قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱؛ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

همان طوری که ملاحظه فرمودید حضرت موسی علیهما السلام استعانت طلب کردن از خدا را مقاومت آفرین می داند و لذا برای اینکه بنی اسرائیل را آماده قیام در برابر فرعون کند اول از همه استعانت از خداوند متعال را یادشان می دهد و نکته دیگر اینکه وقتی که در نتیجه استعانت از خداوند مقاوم شوند که می شوند نتیجه این دو باهم پیروزی در مقابل دشمن است و این را ذیل آیه از إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ تَا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ به ما می فهماند.

توحید در توکل و رابطه آن با مقاومت اسلامی

توحید در توکل یعنی اینکه انسان، تنها خدا را نقطه اتکا و اتکال خویش بداند و بر قدرت بی منتهای او اعتماد کند و او را تنها پشتیبان حقیقی خود بداند و در مقابل او به هیچ موجود دیگری اتکا نکند.^۲

در حقیقت توکل این مطلب نهفته است که متوکل از انجام کاری عاجز است و خودش توان انجام آن را ندارد و به خاطر همین بر کس دیگری که توان انجام آن کار را دارد، اعتماد می کند و کار را به او وا می گذارد و از طرفی بنا بر توحید افعالی هیچ مؤثر مستقلى در عالم به جز خداوند متعال وجود ندارد و هر مؤثر دیگری قدرت اثرگذاری خود را لحظه به لحظه از خدا می گیرد یعنی لحظه ای آن افاضه از طرف خدا نباشد هیچ کس هیچ اثری نمی تواند بگذارد یعنی طبق آن بیانی که ما در توحید در استعانت داشتیم همه به جز خدا فقیر، محتاج و عین ربط هستند و یک غنی مستقل بیشتر نداریم و او خدا است که همه به جز خودش به او وابسته اند یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳ پس چون

۱. اعراف، ۱۲۸.

۲. محمد سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. فاطر، ۱۵؛ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و

ما فقیر، ضعیف و ناتوانیم ناچاریم که به کس دیگری که غنی، قوی و توانا است پناه برده به او اعتماد کنیم و از طرفی می‌بینیم که همه مخلوقات و ممکنات دیگر نیز همچون خودمان فقیر، ضعیف و ناتوان‌اند پس نمی‌شود به آن‌ها اعتماد و تکیه کرد پس یکی بیشتر نمانده که بشود به او اعتماد کرد و او خدا است چون او هم غنی، مستقل و توانا است، هم دانا است و مشکل‌مان و راه‌حل آن را می‌داند و هم مهربان است و مشکل‌مان را نادیده نمی‌گیرد و اگر به او پناه ببریم و به او اعتماد کنیم، ناامیدمان نمی‌کند و به کارمان سامان می‌دهد و مشکل‌مان را حل می‌کند و کفایت‌مان می‌کند و ما را به منزل مقصودمان می‌رساند و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ از جبرئیل درباره حقیقت توکل می‌پرسد: مَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْعِلْمُ بَأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ؟ پیامبر اکرم ﷺ از جبرئیل سؤال کرد توکل بر خدا یعنی چه و چگونه است جبرئیل گفت. توکل یعنی یقین داشتن به اینکه مخلوق نه قدرت زیان رساندن و نه قدرت سود دارد نه چیزی می‌دهد و نه از چیزی جلوگیری می‌کند و به‌طور کلی از مخلوق مأیوس شده و هیچ امیدی آن‌ها نداشته باشی و هنگامی که انسان چنین حالتی پیدا کرد قهراً تمام کارهایش برای خدا خواهد بود و هیچ عملی را برای غیر او نمی‌کند و به غیر او امیدوار نمی‌شود و از غیر او نمی‌ترسد و چشم طمع از غیر او ندارد.^۱

اگر ما اندکی درباره توحید در توکل بیندیشیم، اذعان می‌کنیم که توحید در

ستایش است!

۱. طلاق، ۳.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، النص، ص ۲۶۱.

۳. ابو الحسن موسوی همدانی، بحار الأنوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ / ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۱۴۴.

توکل به صورت خیلی واضح و شفاف مقاومت آفرین است چون بنا بر روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردیم حقیقت توکل این است که انسان یقین کند که هیچ مخلوقی هیچ فایده‌ای و هیچ ضرری نمی‌تواند به او برساند و نمی‌تواند به او چیزی بدهد و یا از او باز دارد و نا امید شدن از تمام مخلوقات و تنها امید به خدا داشتن است^۱ و همان‌طور که ذیل همین روایت می‌فرماید وقتی کسی این‌طور باشد نتیجه‌اش این است که او دیگر فقط برای خدا کار می‌کند و از هیچ‌کس ترسی یا امیدی به‌جز خدا ندارد و از هیچ‌کس طمع نمی‌کند و چون او می‌داند و باور دارد به اینکه همه به‌جز خدا هیچ‌کاره‌اند و بلکه هیچ‌اند و فقط خدا است که همه‌کاره است پس لزومی ندارد که از کسی بترسد، دنبال رضایت کسی باشد و... او فقط می‌بیند که خدا چه می‌خواهد و اگر در مقابل خواسته خداوند، تمام عالم و زورگویان و مستکبران و قلدران عالم از او کاری یا چیزی را بخواهند او در مقابل همه آن‌ها می‌ایستد و توجهی به خواسته آن‌ها نمی‌کند و فقط همان کار را انجام می‌دهد که خدایش می‌خواهد و این به خاطر این است که او به‌جز خدا همه را هیچ می‌داند و می‌بیند و اگر کسی مثل امام خمینی (ره) می‌فرماید: امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند^۲ و اگر کسی مثل رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله و مدّ ظله العالی) با تأسی از امام خمینی می‌فرماید: امریکا و بزرگ‌تر از امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، به خاطر این است که پشتشان به خداوند قادر متعال گرم است و کس دیگری اصلاً به چشمشان نمی‌آید همان‌طور که /امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف متقین می‌فرماید: عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ^۳.

در آیات متعددی از قرآن کریم نیز رابطه توحید در توکل و مقاومت خیلی

۱. محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۲۶۱ «الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَ اسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ».

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۱۵؛ سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده اقتصاد اصفهان (توطئه‌های امریکا)، ۱۶ آبان ۱۳۵۸.

۳. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۳۰۳ و محمد بن همام بن سهیل اسکافی، التمهید، ص ۷۱.

واضح دیده می‌شود از جمله این آیات است آیه شریفه **إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذِلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ**؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.

این آیه به مؤمنان تذکر می‌دهد که اگر خداوند نصرتتان کند هیچ ابرقدرتی نیز نمی‌تواند بر شما غالب بیاید و به شما شکست بدهد و اگر خدا بخواهد شما را رسوا کند و تنهایتان بگذارد هیچ‌کس نمی‌تواند یاری‌تان بکند و بعد به مؤمنان توصیه به توکل می‌کند؛ یعنی مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند، چرا؟ چون غیر او به حالشان نفعی و یا ضرری نمی‌تواند داشته باشد و حقیقت توکل را درک، فهم و باور همین مطلب تشکیل می‌دهد و پر واضح است که کسی که این حقیقت را می‌داند و به آن باور دارد در مقابل هیچ مستکبری خودش را نمی‌بازد و با اطمینان خاطر جلویش می‌ایستد و او را چیزی به حساب نمی‌آورد چون می‌داند که او نمی‌تواند در مقابل قدرت خدا که تکیه‌گاهش است، کاری بکند.

روشن‌تر از آن در دلالت بر این مطلب این آیه کریمه است: **قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**؛ دو مرد از کسانی که [از خدا] می‌ترسیدند و خدا به هر دو نعمت [معرفت، ایمان و شهادت] داده بود، گفتند: از این دروازه به آنان یورش برید، چون به آنجا درآید یقیناً پیروزید و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید.

این آیه شریفه ادامه ماجرای حضرت موسی عليه السلام و بنی اسرائیل است که برای مقابله با زورگویان و قلدرانی (عمالقه) دارند آماده می‌شوند، **يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ**. **قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا**

۱. آل عمران، ۱۶۰.

۲. مائده، ۲۳.

فَإِنَّا دَاخِلُونَ^۱ حضرت موسی فرمودند: ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خدا برایتان مقرر فرموده درآیید و [به گناه، عصیان، سرپیچی از فرمان‌ها و احکام حق] بازنگردید که زیانکار می‌شوید. گفتند: ای موسی! مسلماً در آنجا مردمی زورگو و ستمگر قرار دارند و ما هرگز وارد آنجا نمی‌شویم تا آنان از آنجا بیرون روند، پس اگر از آنجا بیرون روند البته ما وارد خواهیم شد.

بنی اسرائیل از مردمان زورگو و ستمگری که در آن ارض مقدس بودند، ترسیدند و آماده نشدند بروند مقابلشان بجنگند و به حضرت موسی گفتند که تا آن زورگویان ستمگر آنجا هستند ما نمی‌رویم ولی در مقابل این‌هایی که از آن زورگویان می‌ترسیدند دو نفر دیگر بودند که آن‌ها دیگر از آن زورگویان نمی‌ترسیدند بلکه از خداوند متعال می‌ترسیدند و به خاطر همین ترسشان از خدا بود که از کس دیگری نمی‌ترسیدند قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ، این دو نفر خدا ترس گفتند: ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ از دروازه شهر وارد ارض مقدس بشوید، همین‌که شما داخل شدید پیروز می‌شوید. شما چرا خودتان را باختید؟ خدا با شما است، اگر مؤمنید فقط بر خداوند توکل کنید و برای مبارزه با دشمن وارد ارض مقدس شوید. این دو نفر برای اینکه دیگران را به مقاومت و دارند آن‌ها را به توکل کردن بر خداوند دعوت می‌کنند و این یعنی اینکه توکل، مقاومت آفرین است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی در تفسیر نمونه درباره فلسفه توکل می‌نویسد: توکل بر خدا، بر آن منبع فناپذیر قدرت و توانایی، سبب افزایش مقاومت انسان در برابر مشکلات و حوادث سخت زندگی است، به همین دلیل به هنگامی که مسلمانان در میدان «احد» ضربه سختی خوردند و دشمنان پس از ترک این میدان بار دیگر از نیمه‌راه بازگشتند تا ضربه نهایی را به مسلمین بزنند و این خبر به گوش مؤمنان رسید، قرآن می‌گوید افراد باایمان نه تنها در این لحظه بسیار خطرناک که قسمت عمده نیروی فعال خود را از دست داده بودند وحشت

۱. مائده، ۲۱ و ۲۲.

نکردند بلکه با تکیه بر «توکل» و استمداد از نیروی ایمان بر پایداری آن‌ها افزوده شد و دشمن فاتح با شنیدن خبر این آمادگی به سرعت عقب‌نشینی کرد (آل‌عمران آیه ۱۷۳).

نتیجه‌گیری

از مباحثی که در این مقاله به آن‌ها پرداختیم به دست می‌آید:

مبانی خدا شناختی نظریه مقاومت اسلامی، توحید در عبادت، توحید در تشریع، توحید در حاکمیت، توحید در اطاعت، توحید در استعانت، توحید در توکل و... است که با تحلیل این مبانی به دست می‌آید که هرکدام از این مبانی در تحقق مقاومت اسلامی مؤثر است چون لازمه پذیرش توحید؛ چه توحید در عبادت، چه توحید در تشریع، چه توحید در حاکمیت، چه توحید در اطاعت، چه توحید در استعانت و توکل و...، مقاومت در برابر طاغوت است چون توحید با طاغوت در هیچ‌کدام از این حوزه‌ها نمی‌سازد.

منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للمصدق)، جامعه مدرسين، ایران، قم، ۱۳۹۸ ق، چاپ اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق، چاپ اول.
۵. استادی، رضا، شیعه و پاسخ چند پرسش، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۵ ش، چاپ دوم.
۶. امام خمینی، روح الله، صحیفه امام.
۷. بهشتی، احمد، مقاله حاکمیت و اطاعت ۲: اطاعت خدا، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۲، ۱۳۶۰.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹ ش، چاپ ششم.
۹. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۷ ش، چاپ پنجم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
۱۱. رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۴ ش، چاپ دوم.

۱۲. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، کتاب طه، قم، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، محقق / مصحح، صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۶ ش، چاپ دوم.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، شیعه پاسخ می گوید، مدرسه امام علی بن ابی طالب ع، قم، ۱۳۸۶ ش، چاپ هفتم.
۱۷. موسوی همدانی، ابو الحسن، بحار الأنوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ / ترجمه موسوی همدانی، کتابخانه مسجد ولی عصر، تهران، ۱۳۶۴ ش، چاپ اول.
۱۸. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش، چاپ پنجم.
۱۹. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ ق، چاپ اول.

